


<p>■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیماي جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤؤل: مهدی عرفاتی</p>		<p>حدیث روز:</p> <p>امام باقر(ع)، لیخند آدمی به روی برادر دینی‌اش حسنه است.</p>
<p>واحه:</p> <p>معشوقه به سامان شد تا یاد چنین بادا کفرش همه ایمان شد تا یاد چنین بادا</p>		<p>مولوی</p>
<p>پنجشنبه ۸ مهر ۱۴۰۰ ۲۳ صفر ۱۴۴۳ ۲۰ صفحه سال بیست و دوم - شماره ۶۰۵ 2021 , September 30 - Thursday</p>		<p>اوقات شرعی:</p> <p>اذان ظهر: ۱۷/۵۴ اذان مغرب: ۱۸/۰۸ اذان صبح (فردا): ۴/۳۶ (خورشید(فردا): ۵/۵۹</p>
<p>وضعیت آب و هوای امروز</p>		<p>حکمت ۲۵:</p> <p>ای پسر آدم، اگر دیدی خدای سبحان، نعمتش را بی‌دری به تو ازانی می‌دارد و تو نافرمانی‌اش می‌کنی از کيفر او بترس.</p>
<p>نهیچ‌البلاغه</p>		<p>امروز در تاریخ:</p> <p>روز بزرگداشت مولوی در ایران انجام عملیات اوسیراک توسط گنکنده‌های اف ۴ نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در خاک عراق که به آسیب به تأسیسات اتمی اوسیراک منجر شد.(۱۳۵۹ش) درگذشت مهین دپهم، بازیگر و گوینده رادیو(۱۳۸۰ش) ثبت جهانی نوروز به عنوان میراث غیرملموس جهانی(۱۳۸۸ش)</p>
<p>شایعه ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵-۰۰۰۰ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir</p>		<p>روزنامه نگار</p> <p>علی مظاهری</p> <p>روزنامه‌نگار</p>

گفت‌وگو با کوروش ادیم، عکاس هنری و شاعر

من متعلق به گذشته‌ام



<p>✂ بای بسم!....</p> <p>با کوروش ادیم، عکاس هنری با آن افق‌های نوپدید و نوآمد آن فضای سیال و انتزاعی که فرای واقعیت‌های روزآمد می‌زید و تنفس روح‌مان را در ساحت بهشتی‌های دیگری پذیرا می‌شود.</p> <p>برای آغازیدن گفت‌وگویی شایسته و درخور به‌نگاه دیدم در سطرهای زلال سپهری شناورم زیر «آوار آفتاب» و... سپهری آغازمان کرد و هم‌سخنی‌مان به جان‌گرفتن دوستکامی بنیادین و ژرفی انجامید. به روزهایی که با مهر و هنر سبزرتمان خواهد ساخت. این هنرمند پنجادساله، سی ساله که دنیا رو با دوربین می‌بیند و چه متفاوت می‌بیند، وقتی گفت:</p> <p>پیشبرد گفت‌وگو با شماست، رقتیم به فراواقع‌ها و انتزاع.</p>	<p>  </p> <p> علی مظاهری </p> <p> روزنامه‌نگار </p>
--	--

<p>✂ انتزاع کتین و به عنوان عکاس و شاعر، «الف» رو آبیستره ببینین.</p> <p>(الف در عرفان هم جا و معنای خاصی داره. الف قامت یار) به نظرم یک ستون نور از آسمان می‌باره در ظلمات زمین؛ الف رو اینجوری می‌بینم.</p> <p>✂ واکه نقطه زیر «ر» بودین (که این هم معانی عرفانی و...؟)</p> <p>خیلی شبیه چاه عجیبیه با دهان‌های بزرگ که فراتر از زمانه مٲ برمودا همه‌چی رو می‌بلعه.</p> <p>✂ دال انتزاعی؟</p> <p>کمر شکسته و خمیدگی‌اش ذهنم رو به سمت قوس ماه می‌بره.</p> <p>✂ «ای که در خوشنویسی هم...؟ خوشنویسی رو دوست می‌دارم. قوشش مٲ ماهه ولی لاغره.</p> <p>✂ سین و انتزاع شما؟</p> <p>چقدر کشیده‌اش در نستعلیق، زیباشناسی قشنگی داره. این کشیدگی، من رو یاد آبشاری می‌اندازه که در انتها به آب بزرگ‌تری می‌پیوندد. قوشش مٲ اتصال آبشار به دریا سیال و روان.</p> <p>✂ تای تقه (تمه) در جهان آپستره؟</p> <p>(در نستعلیق تا ۲۰ نقطه کشیدگی‌داره میرزا کاظم خوشنویس دوران قاجار با اون رهاشدگی و بی‌ژهای که داشت بیش ازین‌ها «ت» رو می‌کشید) شکل و شمایلش برام مٲ قایقه.</p> <p>✂ بابان قایق کجاسفر می‌کنین؟</p> <p>به جایی تعلق خاطر دارم که پر از سکوت باشه خیلی سرشار.</p> <p>✂ شمای آبی و شعر چترها را باید بست زیر باران باید رفت؟</p> <p>عنصر من آب و سپس باده، عاشق آیم. مواجهه‌ام باهاش عجیبه. دیدنش رو ترجیح میدم. بارون که میاد، دوست دارم کنار پنجره باشم نه که برم زیرش خیس بشم. امروز (دوشنبه ۵مهر) بابل بارونی بود. جای شما خالی چه شاعرانه بود و زیبا. دوست دارم نوازش قطرات آب رو که از آسمون نازل میشه ببینم.</p> <p>✂ آب و دنیای درونش؟</p> <p>خیلی خیلی دنیای زیر آب رو دوست دارم.</p>	<p>✂ از فضا و اختران هم گفتین؟</p> <p>اگه ببرسین دوتا فضای عجیب و تاثیرگذار نام ببر، میگم اعماق اقیانوس‌ها و کهکشان‌ها.</p> <p>✂ اخوان که می‌گه جوپیار لحظه‌ها از تهی سرشاره؟</p> <p>جوپیار لحظه‌ها برای من نقطه‌ایه که با قایق برم در آب‌های آرام و سرشار از سکوت، به عالم خیال برم و درباره جهان و آدمیان، مذاقه کنم.</p> <p>✂ وقتی دست می‌برین و مشت‌تون رو پراز آب می‌کنین؟</p> <p>حس می‌کنم با یه موجودی طرفم که کاملا زنده است، داره نفس می‌کشه و حرف می‌زنه.</p> <p>✂ نقطه اوج این موجود (آب)؛</p> <p>برای من صداش.</p> <p>✂ زندگی رو اگه در برابر مرگ بناریم؟</p> <p>صدای زندگی همان صدای آب روانه.</p> <p>✂ از جمله جاری آب به قول سهراب، چی می‌شنفین؟</p> <p>صدای آب روان که من رو خیلی به وجد میاره صدای زندگی.</p> <p>✂ اگه این قایق به ساحت اسطوره‌ها بره شمارو؟</p> <p>میرم به اسطوره باد، وسط باد سیال و بزرگی رها بشم.</p> <p>✂ مٲ باد شرق که همه چی رو تغییر میده؟</p> <p>آره خیلی خوبه.</p> <p>✂ و دوست دارین باد شرقی که میوزه چه چیزی رو تغییر بده؟</p> <p>همیشه از بزرگ‌ترین آرزو هام بوده انسان به یه ساحت تعالی و صلح مطلق برسه.</p> <p>✂ این رویای مشترکه بزرگوارا</p> <p>باد اگه من رو می‌بره دوست دارم اونجایی رهام کنه که آدم‌ها با هم عجیبه. دیدنش رو به ساحت تعادل مطمئن رسیدن که می‌دونن خدا برای بودن و... در این عالم برای همه جا گذاشته لازم بچکنن زیاده‌خواهی کنن.</p> <p>✂ اگه این خصلت‌های ستیزه‌جویی و همه‌چیزخواهی قدرت‌های بزرگ نبود؟</p> <p>آدم‌ها می‌تونستن زیست انسانی و مهربانانه و زیبا داشته باشن آرزوی من همینه.</p>
---	---

✂ **دیگه کجا باید پنهان بشین؟**

در فیزیک کوانتوم هست که یه نقطه ذره هم هست هم نیست. در اون نقطه بی‌بعد.

✂ **اگه الفبای شاعرانه برن، خودتون رو چه جور بیان می‌کنین؟**

اونجاس که زبان تصویر میاد جلو و جای خالی کلمات رو پر می‌کنه.

✂ **عجیب قشنگ برای شما؟**

مٲ شکلی سوررئال که آزموده نشده اما برای شمار خ بده.

✂ **در عکاسی شمای شاعر؟**

این حیرت و عجیب‌بودن در دوره‌هایی برام مساله بوده.

✂ **وجه تاثیرگذار هنر؟**

همینه که کاشف غریب باشی. صیاد آثات عجیب با شب سپس بیاری برای مردم و نشونشون بدی به‌گونه‌ای که بقیه نتونن چنین کنندن.

✂ **از این کشفیات، یه سبدبشارت به کی تقدیم می‌کنین؟**

دوست دارم به همه ابناي بشر با هر گرایش دینی و نژادی. و تعلیقش و حس غریبش.

✂ **از فضای لایتناهی وجود که عکس بزرگی رو بازسازین؟**

حس یک انسان معلق در اون فضا در عکسی با ابعاد چندین متر.

✂ **هستی آدمی در این چنین لحظه‌ای؟**

نزدیک‌ترین حالت رو داره به پروردگار می‌فهمه چقدر تنها و کوچکه این تکبر و خودبزرگ‌بینی براش به طنز تبدیل می‌شه.

✂ **رنگ‌هایی که به شما انرژی میده و دنیا رو اگه می‌شد اون رنگی می‌کردین؟**

تمایل دارم به طیف گرم. زرد تا قرمز؛ خیلی دوست دارم و به من انرژی میده و دنیا رو به قرمز خاص می‌زدم تا انرژی مخصوص و عجیبی داشته باشه. رنگیه که انسان می‌تونه باهاش سرشار بشه.

✂ **فصل رنگ‌های گرم با همراه آغاز می‌شه؛ شما و مهر؟**

متولد ماه مهرم. این واژه خیلی پرمعناست و عشق هم که فصل الخطابه.

✂ **سخنی جاودانه در این باره؟**

هرگز نمیرد آن‌که دلش زنده شد به عشق. شعر تاثیرگذاری بوده از جوانانی بارها تکرار شده برام.

✂ **اگه بخوانی خودتون رو پنهان کنین؟**

دوست دارم توی جنگلی مه‌آلوده برم توی مه‌ها.

✂ **از دیگر عناصر طبیعی که براتون عجیبه؟**

باران و دریا برام عناصر عجیبی هستن.

✂ **توی شعرها و عکس‌هاتون زیاد هست.**

از مازندرانم و از میان جنگل و مه و دریا آمدم.

می‌داد.

✂ **این غربت انسان؛ این که انگار جای ما اینجانیست؟**

این برام خیلی ملموسه، چون درگیرشم یاد حافظ می‌افتم.

✂ **آسمان بارامانت نتوانست کشید/ قرعه فال به نام من دیوانه زنند؟**

این قرعه‌ای که خدا برای بشر زد. مسوولیم. انسان موجودی است مسوول.

✂ **انسان، دشواری وظیفه است (بامداد)؟**

بله اما هرچی گذشت، این مسوولیت رو انسان از خودش سلب کرد.

✂ **برآیند این سلب مسوولیت؟**

و جوهر زیبای انسانی رو دائمی

می‌تراشه و لاغرترش می‌کنه. از اینجاست که هرچی گذشت حال انسان بدتر شد.

✂ **در مدار سیاه‌چاله و دسترسی به ابعاد زمان، گزینش‌تون؟**

خیلی تعلق به گذشته دارم.

✂ **از ای کاش‌های همیشگی؟**

کاش سال‌ها پیش وجود داشتم و سهمی‌ام از هستی در اون موقع، سیری می‌شد نه الان. نه آینده.

✂ **اگه مٲ عکس بشین**

✂ **کدوم بخشی از گذشته رو ثبت می‌کنین تا فقط برای**

خودتون نگه‌دارین؟

دلیل گذشته‌گرایی من اینه که گذشته، اصل‌تر بوده، آدم‌ها واقعی‌تر بودن، ارتباط‌ها واقعی‌تر.

✂ **ممکنه واقعیت خوشایندی نباشه‌ها.**

ممکنه بداینده هم باشه اما اصالت داشتن و هرچی که گذشت به‌خصوص دوسه قرن اخیر که شاهد مناقشاتی هستیم و جنس‌شون برخاسته از بی‌اخلاقی بشریته.

✂ **امکانات رفاهی زیادت**

✂ **شدا ما؟**

حالمون بهتر نشد که نشون

میده جاهایی رو غلط رقتیم.

✂ **با وجود بمباران اطلاعات و گسترش دانش؟**

مشکل ما تحلیل‌له. انسان معاصر وقت نمی‌کنه دانسته‌هاش رو تحلیل بکنه. هرکدوم دریای اطلاعات کم‌عمق ناقص از منابع غیر موثقیم.

✂ **به خود آمدن انسان که کار دشواریه!**

چون رسانه‌های جهان به دست اهلس نیست. دنیا باید به هوش بیاد ببینه چه پر سر خود و زیستگاهش آورده. با این روند زیاده‌خواهی و بی‌خردی بشر به زودی این کره(گوی زمین) غیر قابل زیست می‌شه.

✂ **انسان معاصر باید؟**

نگاهی به پس و پشت بکنه ببینه چی بود به الان نگاه بکنه ببینه چه هست، ببندیشه آینده باید چه بشود.

✂ **پس در اوج این ناامیدی قرارگیر؟**

یک روزنه امیدیه هست، چون همه متوجه‌شدن داریم محیط زیست مون رو نابود می‌کنیم.

کی شروع شدین؟

هوای تازه

عضو هیات داوران در چند جشنواره ملی عکاسی ا عضو شورای سیاستگذاری یازدهمین بی‌ینال عکس ایران تدریس عکاسی در مراکز آموزش عالی و موسسات آموزشی از سال ۱۳۸۲ شرکت و نمایش آثار در بیش از ۱۰۰ نمایشگاه و جشنواره داخلی و بین‌المللی در ایران، یونان، انگلستان، فرانسه، لهستان، آمریکا، مجارستان، اسکاتلند، امارات، قبرس، بلژیک، سوئد، هلند و تونس و...

دردمی‌کند
شعری آرام می‌خزد از لای پنجره و روی سینه‌ام می‌خوابد و دردمی‌کند جای خالی حلقه‌ای که از دواج‌مان را گم شده است
درد می‌کند جای خالی تو / و جای درد باران می‌آید آرام و غمگین و از لای پنجره با انگشتانم که این شعر را با حجم تو نسبتی است تو چیزی نمی‌گویی و می‌شنوم که آدمی، پشت زبان خود پنهان است

سوم ابتدایی، سال ۶۰ که با خوشنویسی به عالم زیبایی وارد شد، سپس با تذهیب و مینیاتور و طراحی دست‌گرمی کرد و اینها دیپاجه آشنایش با گرافیک شد. دوره چسب و قیچی (به قول مرحوم ممیز) چند تا پوستر هم طراحی کرد. آخر سال ۷۰ انقلاب عجیبی شد که با هنر عکاسی آشنا شد و تحولی بود که به‌گونه‌ای ادیم رو به خودشناسی و کشف خویشتن با چه شیفتگی ویزه‌ای سوق داد و سیر حرفه‌ای‌اش آغازید. تعلقش به شعر هم کامش رو همراه با عکاسی شیرین کرد. همیشه درگیر شعر بوده، الهام همراه با تکنیک و صیقل دادن واژه‌ها؛

سایه گیسوانی بر سنگ، نشر قو حضور ناب، نشر ماه‌ریز حضور مبهم معنی، نشر ماه‌ریز راز روی، نشر اتاق آبی کرانه‌های دیدار، نشر حک نشر چشمه سرمانوشکی‌ها، لیخند شاعر، نشر ورا

صاحب‌امتیاز و مدیرمسوول مجله تصویرنامه سردبیر نشریه اینترنتی هست | مدیر مسوول آموزشگاه آزاد هنرهای تجسمی شایگان



عکاس کوروش ادیم